

بررسی خوداشتغالی در مقایسه با اشتغال دستمزدی

دکتر هادی قوامی*

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی خوداشتغالی در مقایسه با اشتغال دستمزدی است؛ از آنجائی که بخش اعظمی از نیروی کار (حدود ۳۶ درصد، براساس آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵) کارکنان مستقل هستند و تاکنون در مورد ویژگیهای این بخش از نیروی کار پژوهشی انجام نشده است، در این مقاله ویژگیهای این گروه از نیروی کار مورد بررسی قرار می‌گیرد. براساس نتایج این مقاله، احتمال خوداشتغالی در میان روستاییان بیشتر از شهرنشینان و در میان مردان بیشتر از زنان می‌باشد. احتمال خوداشتغالی با افزایش سطح تحصیلات کاهش می‌یابد. سطح درآمد، سن، وضعیت ازدواج سرپرست خانوار (دارای همسر و هرگز ازدواج نکرده) و تعداد اعضای خانوار با خود اشتغالی رابطه مثبت دارد.

کلیدواژه‌ها

کارکنان مستقل، کارکنان مزد و حقوق بگیر، اشتغال دستمزدی

۱- مقدمه

خوداشتغالی، معادل اصطلاح "Self-Employment" یا کار برای خود می‌باشد؛ از این رو خوداشتغالی نوعی اشتغال در بخش غیر مزدبگیری است که فرد شاغل با اتکاء به توان شخصی، ابتکار و خلاقیت خود، به کارهای تولیدی و خدمات فنی و حرفه‌ای و در نتیجه کسب درآمد می‌پردازد. از ویژگیها و امتیازات این بخش از اشتغال آن است که فرد را بتدریج آماده کسب تواناییهای لازم برای ورود به بازارهای بزرگتر و گسترده‌تر می‌کند؛ بر این اساس، خوداشتغالی و کار برای خود، زمینه‌ساز رشد اشتغال آزاد و کار آفرینی در جامعه است. خوداشتغالی به لحاظ انعطاف‌پذیری ساعات کار و استقلال در شرایط کار، طی سالهای اخیر از استقبال شایان توجهی برخوردار بوده است.

خوداشتغالی، هر نوع فعالیت تولیدی و خدماتی مولد ارزش اقتصادی در بخش غیرمزدبگیری را شامل می‌شود. تمامی مشاغل فردی موجود در بخش غیرمزدبگیری (شامل همه افرادی که در زمینه‌های تولیدی، صنعتی، کشاورزی و خدمات برای خود کار می‌کنند) در محدوده فعالیت‌های خوداشتغالی قرار دارند. براساس تعریف مرکز آمار ایران، کسانی که برای انجام فعالیت‌های شغلی خود مزد و حقوق بگیری در استخدام نداشته باشند و خود نیز مزد و حقوق نمی‌گیرند، "کارکن مستقل" به حساب می‌آیند؛ در این مقاله این گونه کارکنان را معادل خوداشتغالی گرفته‌ایم. در ایران، آمار کارکنان مستقل حدود ۳۶٪ نیروی کار می‌باشد که نشان می‌دهد بخش اعظمی از نیروی کار، با توجه به ساختار بازار کار، ظاهراً تمایل دارند که برای خود کار کنند و به عبارت بهتر مستقل باشند. در این مقاله سعی شده است تا با استفاده از آمار نمونه‌گیری درآمد-هزینه خانوار در سال ۱۳۷۶ ویژگیهای این سه بخش از نیروی کار که معادل خوداشتغالی گرفته شده‌اند، در مقایسه با اشتغال دستمزد و حقوق بگیری مورد بررسی قرار گیرند و به این سؤال پاسخ داده شود که چه عواملی بر انتخاب خوداشتغالی در مقابل اشتغال دستمزدی در ایران مؤثر می‌باشد؟

این مقاله بدین صورت ساماندهی شده است: در بخش دو و سه، فرضیه‌ها و داده‌های تحقیق؛ در بخش چهار، الگوی نظری خوداشتغالی؛ در بخش پنج، الگوی انتخاب خوداشتغالی ایران؛ و در بخش پایانی نتایج آورده شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که احتمال خوداشتغالی با افزایش سطح درآمد، افزایش سن، وضعیت ازدواج (دارای همسر

و هرگز ازدواج نکرده) و تعداد اعضای خانوار افزایش می‌یابد و احتمال خوداشتغالی با افزایش سطح تحصیلات کاهش می‌یابد. همچنین احتمال خوداشتغالی در نقاط روستایی بیشتر از نقاط شهری و در میان مردان بیشتر از زنان می‌باشد.

۴- فرضیه‌های تحقیق

احتمال خوداشتغالی (سرپرست خانوار) الف - با افزایش سن، درآمد، وضعیت ازدواج (دارای همسر و هرگز ازدواج نکرده)، تعداد اعضای خانوار و روستایی بودن افزایش می‌یابد؛ ب - با افزایش سطح تحصیلات، کاهش می‌یابد.

۳- داده‌ها

در این مقاله از داده‌های پرسشنامه نمونه‌گیری "درآمد-هزینه" خانوارهای "شهری-روستایی" که هر ساله توسط مرکز آمار ایران انجام می‌شود، استفاده شده است. آمارهای استفاده شده در این مقاله، مربوط به سال ۱۳۷۶ می‌باشد. تعداد نمونه، ۲۱۹۵۰ سرپرست خانوار در نقاط شهری و روستایی می‌باشد که ۱۱۴۳۷ سرپرست خانوار در گروه خوداشتغالی و ۱۰۵۱۳ سرپرست خانوار در گروه حقوق و دستمزدبگیری بخش‌های عمومی، خصوصی و تعاونی هستند. ۵۲ درصد خانوارهای نمونه در نقاط روستایی و ۴۸ درصد در نقاط شهری می‌باشند.

۴- الگوی نظری خوداشتغالی

الگوی استاندارد انتخاب اشتغال را بدین صورت می‌توان بیان کرد: فرض کنید که افراد انتخاب‌شان براساس مقایسه بین مطلوبیت، کارکردن و کار نکردن باشد؛ اگر مطلوبیت تابعی از دستمزد و درآمد باشد، افراد تصمیماتی را که اتخاذ می‌کنند، مبتنی بر مقایسه دستمزدهایی است که به آنها پیشنهاد می‌شود و یا درآمدهایی که از یک اشتغال به دست می‌آورند و دستمزد آستانه^۱ می‌باشد. اگر دستمزدها (یا درآمدها) که دربردارنده منافع نقدی و غیرنقدی^۲ از کار دستمزدی و خوداشتغالی می‌باشد، کمتر از دستمزد

1- Reservation Wage.

2- Pecuniary and Non Pecuniary.

آستانه باشد، افراد کار نکردن را انتخاب می‌کنند؛ ولی اگر بیشتر باشد، کارکردن را انتخاب می‌کنند. اگر افراد تصمیم به مشارکت در بازار کار گرفتند، برخی تصمیم می‌گیرند خوداشتغال شوند؛ در صورتی خوداشتغالی را انتخاب می‌کنند که عایدات حاصل از خوداشتغالی (W_{se}) بیشتر از عایدات حاصل از اشتغال دستمزد یا حقوق‌گیری (W_{sw}) باشد.

بنابراین الگوی انتخاب افراد بشکل روابط ساده زیر می‌باشد:

(۱) اگر $w^* > W_{se}$ و $w^* > W_{sw}$ کار نکردن را انتخاب می‌کنند.

(۲) اگر $W_{sw} > W_{se}$ و $w^* < W_{sw}$ بخش دستمزد یا حقوق‌گیری را انتخاب می‌کنند؛

(۳) اگر $W_{sw} < W_{se}$ و $w^* < W_{se}$ بخش خوداشتغالی را انتخاب می‌کنند.

از نظر تجربی، تصمیمات بازار کار را می‌توان با استفاده از "مدل‌های لاجیت و پروبیت" مدل‌سازی نمود. حال می‌توان تأثیر محدودیت سرمایه و دریافت یک پرداخت بادآورده را بر خوداشتغالی به شکل زیر بیان نمود:

فرض کنید که جمعیت مورد مطالعه شامل دو گروه باشد:

(۱) آنهایی که در زمان t مشغول به کار هستند؛ (۲) آنهایی که در زمان t مشغول به کار نیستند.

انتقال به گروه خوداشتغالی و تداوم در آن، وقتی صورت می‌گیرد که جریان مطلوبیت

ناشی از خوداشتغالی بیشتر از جریان مطلوبیت دیگر وضعیت‌های بازار کار باشد. سپس مطلوبیت ناشی از خوداشتغالی به صورت زیر تعریف می‌شود:

۴-۱- مطلوبیت خوداشتغالی

مطلوبیت ناشی از خوداشتغالی، دارای اجزاء نقدی و غیرنقدی است.^۱ افراد خوداشتغال به واسطه نهاده‌های نیروی کار و سرمایه، درآمد به دست می‌آورند و همچنین از استقلال فردی خود نیز مطلوبیت می‌برند؛ یعنی آنها از منافع ناشی از «رئیس خودت باش» لذت می‌برند. مطلوبیت ناشی از خوداشتغالی برای تأمین فرد را در

۱- ن. ک. Scase, R. and R. Goffee (1987); *The Real World of the Small Business Owner*.

Taylor, M.P. (1996); "Earnings, independence or unemployment: Why become self-employed?", *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*.

Scase, R. and R. Goffee (1982); *The Entrepreneurial Middle Class*.

زمان t می‌توان به شکل زیر نوشت:

$$U_{i,t}^s = f(Y_{i,t}^s, H_{i,t}^s) \quad (۱)$$

$$\frac{\partial U_{i,t}^s}{\partial Y_{i,t}^s}, \frac{\partial U_{i,t}^s}{\partial H_{i,t}^s} > 0 \quad (۲)$$

که $U_{i,t}^s$ نسبت به $Y_{i,t}^s$ و $H_{i,t}^s$ افزایشی است که به ترتیب در بردارنده جریانات مطلوبیت نقدی و غیر نقدی است؛ به علاوه:

$$Y_{i,t}^s = Y_{i,t}^s(\theta_i, k_{i,t}, a_{i,t}, r, x_{i,t}, e_{i,t}) \quad (۳)$$

$$H_{i,t}^s = H_{i,t}^s(e_{i,t}, x_{i,t}) \quad (۴)$$

$$\frac{\partial Y_{i,t}^s}{\partial e_{i,t}} > 0, \frac{\partial H_{i,t}^s}{\partial e_{i,t}} < 0 \quad (۵)$$

که در اینجا θ غالباً توان مقاطعه کاری نامیده می‌شود و مستقل از زمان می‌باشد و دربرگیرنده مهارت یا ذکاوت فردی است. $k_{i,t}$ عبارت است از: مقدار سرمایه به کار رفته (یا سرمایه گذاری شده) در مقاطعه کاری. دارایی‌های فرد از طریق $a_{i,t}$ اندازه گیری می‌شود و r (مستقل از زمان) عبارت است از: نرخ بهره و $x_{i,t}$ برداری از مشخصات فردی است که در بردارنده سلايق و ترجیحات است. بورک و همکارانش (۱۹۹۷)^۱ را که معرف تلاشی است که یک فرد برای کار مورد علاقه‌اش صرف می‌کند، در نظر گرفتند. درآمد خوداشتغالی با تلاش بیشتر افزایش می‌یابد؛ در حالی که رضایت شغلی با تلاش بیشتر کاهش می‌یابد.

1. Burke, A.E., F.R. Fitzroy and M.A. Nolan (1997), "Entrepreneurial Choice and Performance: A Reappraisal of Liquidity and Human Capital Constraints", Centre for Research into Industry.

مطالعه اثرات رضایت شغلی و تلاش (در بیشتر بررسی‌ها حذف شده است) این امکان را می‌دهد که افراد با ترجیحات معین یا با ثروت بیشتر، وقت کمتری را صرف کار خود کنند تا بتوانند زمان بیشتری را به اوقات فراغت خود اختصاص دهند. یا ممکن است فعالیت‌های خوداشتغالی خود را در نواحی متمرکز کنند که رضایت شغلی بیشتری را برای آنها در هزینه بازگشت مالی کمتر، فراهم کند. برخی افراد ممکن است درآمد خوداشتغالی کمتر، ولی با رضایت شغلی بیشتر را ترجیح دهند.

هر فردی می‌تواند خالص درآمد حاصل از خوداشتغالی خویش را در زمان t ، به شکل زیر در نظر بگیرد:

$$y_{i,t}^s = \theta f(k_{i,t}) \pi + r(a_{i,t} - k_{i,t}) + e_{i,t}(k_{i,t}, a_{i,t}, x_{i,t}) \quad (6)$$

$f(k_{i,t})$ تابع تولید بانهاد سرمایه $k_{i,t}$ و π معرف یک متغیر تصادفی دربردارنده ریسک و ناطمینانی توأم با خوداشتغالی است. در داخل چنین چارچوبی محدودیت‌های نقدینگی به وسیله اطلاعات نامتقارن ایجاد می‌شوند. فرض بر آن است که هر خوداشتغالی، از توانایی خوداشتغالی اش (θ_i) آگاه است، اما بازارهای سرمایه و مؤسسات مالی از این توانایی آگاهی ندارند؛ بنابراین خوداشتغالان به نسبت دارایی‌هایشان مقداری وام دریافت می‌کنند و بنابراین دارایی قابل سرمایه‌گذاری را به صورت زیر می‌توان نوشت:

$$K_{i,t} = a_{i,t} + wa_{i,t} \quad (7)$$

هر فردی دارای یک سطح بهینه از سرمایه (k^{*i}) می‌باشد که این سطح بهینه سرمایه، محصول (تولید) را به حداکثر می‌رساند و بسته به آنکه امکان دسترسی به سرمایه تا چه حد در تنگنا باشد، ممکن است قابل دسترسی باشد یا نباشد. اگر $K_{i,t}^{*i} < a_{i,t} + wa_{i,t}$ باشد پس خوداشتغال می‌تواند میزان بهینه سرمایه خود را به دست آورد و از اینرو محدودیت نقدینگی نخواهد داشت. اما به هر حال اگر $K_{i,t}^{*i} > a_{i,t} + wa_{i,t}$ باشد، در نتیجه خوداشتغال با محدودیت نقدینگی مواجه خواهد شد.

$$\frac{\partial k_t}{\partial a_{i,t}} > 0 \quad (8)$$

بنابراین، برای یک خوداشتغال که محدودیت نقدینگی دارد، هر افزایش در دارایی به

دسترسی بیشتر او به سرمایه منجر می‌شود و در نتیجه فعالیت خوداشتغالی را به سمت مقدار بهینه k^* سوق می‌دهد.

اثرات پرداخت‌های بادآورده، در داخل این چارچوب ملاحظه می‌شود. برای یک خوداشتغال با محدودیت نقدینگی در زمان t ، یک پرداخت بادآورده می‌تواند سرمایه در دسترس برای سرمایه‌گذاری را در زمان‌های بعدی افزایش دهد و او را به سطح سرمایه بهینه نزدیکتر نماید؛ بنابراین، برای یک سطح تلاش معین، یک پرداخت بادآورده منجر به مطلوبیت و درآمد بعدی بیشتری از ناحیه خوداشتغالی خواهد شد؛ به هر حال امکان دارد که سرمایه‌گذاری شده در یک فعالیت مقاطعه‌کاری و تلاش، جانشین یکدیگر شوند؛ در این حالت، افزایش در سرمایه باعث کاهش تلاش می‌شود، بنابراین برای یک خوداشتغالی که با محدودیت نقدینگی مواجه است، دریافت یک پرداخت بادآورده (انتقالی) مطمئناً منجر به مطلوبیت خوداشتغالی بیشتری در دوره‌های بعدی می‌شود و نیز ممکن است منجر به درآمد خوداشتغالی مبتنی بر افزایش یا کاهش تلاش شود.

برای خوداشتغالی که محدودیت نقدینگی ندارد، سودمند نیست که پول (عایدی) بادآورده را در خوداشتغالی سرمایه‌گذاری کند. در این سناریو پرداخت بادآورده ممکن است نوعی امنیت مالی ایجاد کند که باعث می‌شود خوداشتغال روی طرح‌های با سوددهی کمتر، اما رضایت‌بخش‌تر برای خودش متمرکز شود؛ به عبارت دیگر، در دوره‌های بعدی تلاش او را کاهش دهد. برای یک خوداشتغال که محدودیت نقدینگی ندارد، به دست آوردن (دریافت) پرداخت بادآورده (انتقالی) لزوماً باعث افزایش مطلوبیت ناشی از خوداشتغالی نخواهد شد و ممکن است حقیقتاً درآمد خوداشتغالی او را کاهش دهد. هر کاهش مطلوبیت که به دلیل کاهش درآمد باشد، با افزایش میزان رضایت شغلی جبران می‌شود.

۴-۲- مطلوبیت خارج از خوداشتغالی

فردی که خوداشتغال نباشد، می‌تواند در زمان t اشتغال دستمزدی یا حقوق‌بگیری داشته باشد یا در نیروی کار مشارکت نکند.

۴-۲-۱. اشتغال دستمزد و حقوق بگیری

مطلوبیت ناشی از اشتغال دستمزد یا حقوق بگیری در زمان t را می‌توان به شکل زیر

نوشت:

$$U_{i,t}^w = g(Y_{i,t}^w, H_{i,t}^w) \quad (۹)$$

$$\frac{\partial U_{i,t}^w}{\partial Y_{i,t}^w} > 0, \quad \frac{\partial U_{i,t}^w}{\partial H_{i,t}^w} > 0 \quad (۱۰)$$

مطلوبیت $(U_{i,t}^w)$ با افزایش درآمد $(Y_{i,t}^w)$ افزایش می‌یابد؛ همچنین $H_{i,t}^w$ عبارت است از منافع غیرنقدی که از اشتغال دستمزدی یا حقوق بگیری به دست می‌آید؛ همچون امنیت شغلی، آینده‌نگری، مقادیر فزاینده پرداخت و غیره. $H_{i,t}^w$ با مطلوبیت رابطه مستقیم دارد؛ به علاوه داریم:

$$Y_{i,t}^w = Y_{i,t}^w(W_{i,t}, r, a_{i,t}) \quad (۱۱)$$

$$H_{i,t}^w = H_{i,t}^w(X_{i,t}) \quad (۱۲)$$

W دستمزدی است که از اشتغال فرد به دست می‌آید. فرض بر آن است که اشتغال به کار دستمزدی نیازمند تلاش معینی است؛ بنابراین رضایت شغلی تنها یک تابع ناشی از $X_{i,t}$ (علاق و ترجیحات فرد) است. درآمد حاصل از اشتغال دستمزدی یا حقوق بگیری در زمان t را می‌توان به شکل زیر نوشت:

$$Y_{i,t}^w = W_{i,t} + ra_{i,t} \quad (۱۳)$$

هرگونه افزایش در داراییها می‌تواند به یک افزایش غیرمبهم (روشن) در مطلوبیت و درآمد فرد در اشتغال دستمزدی منجر شود.

۴-۲-۲. مطلوبیت، عدم مشارکت در بازار کار

مطلوبیت حاصل از مشارکت نکردن در بازار کار در زمان t را می‌توان به شکل زیر

نوشت:

$$U_{i,t}^N = Y_{i,t}(b, r, a_{i,t}) + I_i \quad (14)$$

در این حالت b (مستقل از زمان) عبارت است از درآمد موجود که ناشی از اشتغال نیست و I_i در بردارنده مطلوبیت حاصل از تلاش صفر است ($e=0$). درآمد مرتبط با کار نکردن را می‌توان به شکل زیر نوشت:

$$Y_{i,t}^N = b + ra_{i,t} \quad (15)$$

در اینجا نیز افزایش دارایی به طور آشکارا مطلوبیت و درآمد شخص را افزایش می‌دهد.

"اثرات یک پرداخت با آورده بر اشتغال دستمزدی و عدم مشارکت روشن، ولی برای خوداشتغالی مبهم است و این بستگی به وضعیت سرمایه فرد دارد. اگر با محدودیت نقدینگی مواجه نباشد، باعث کاهش تلاش و یا متمرکز نمودن فعالیت در وضعیتی دیگر می‌شود، ولی اگر با محدودیت نقدینگی مواجه باشد، باعث افزایش مطلوبیت ناشی از خوداشتغالی می‌شود".

حال می‌توان مسئله تخمین را به صورت زیر بیان نمود:

فردی که در زمان t خوداشتغال نیست می‌تواند در زمان $t+2$ خوداشتغال باشد، اگر

$$U_{i,t+2}^S - U_{i,t+2}^0 > 0 \quad (16)$$

در جایی که

$$U_{i,t+2}^0 = \max \{U_{i,t+2}^W, U_{i,t+2}^N\} \quad (17)$$

احتمال ورود به خوداشتغالی به صورت زیر است:

$$\Pr(S_{i,t+2}=1 | S_{i,t+2}) = \Pr(U_{i,t+2}^S - U_{i,t+2}^0 > 0) \quad (18)$$

دریافت یک پرداخت انتقالی در زمان $t+1$ ، بر جریانات مطلوبیت افراد مختلف به طرق گوناگون اثر می‌گذارد. در هر صورت این جریانات مطلوبیت، مستقیماً قابل مشاهده نیستند. به جای آن، ما انتقالات در بازار کار را بعد از دریافت یک پرداخت با آورده، به خصوص در وضعیتی که افراد خوداشتغال می‌شوند، مشاهده می‌کنیم. این امر به ما اجازه می‌دهد که تأثیر خاص دریافت یک پرداخت با آورده را بر روی جریانات نسبی

مطلوبیت و احتمال ورود به خوداشتغالی، تحلیل کنیم.
به منظور تخمین احتمال ورود به خوداشتغالی، می‌توان رابطه زیر را نوشت:

$$\Pr(S_{i,t+2}=1 | S_{i,t} = 0) = \Pr(\alpha_1 X_{i,t} + \alpha_2 W_{i,t+1} + \varepsilon_i > 0) \quad (19)$$

$X_{i,t}$: بردار مشخصات افراد و خانوارها در زمان t است که بیانگر سلیق و ترجیحات افراد می‌باشد.

$W_{i,t+1}$: بیانگر دریافت یک پرداخت انتقالی در زمان $t+1$ می‌باشد.

α_1 و α_2 : بردار ضرایب می‌باشند که باید تخمین زده شوند و نشان می‌دهند چه عاملی، چگونه و به چه میزان بر احتمال خوداشتغالی مؤثر است.
فرض می‌شود که:

$$\varepsilon_i \sim N(0, \sigma_i^2) \quad (20)$$

رابطه فوق را می‌توان با استفاده از مدل‌های "لاجیت و پروبیت" تخمین زد. متغیر وابسته برای هر فردی که در $t+2$ خوداشتغال شده باشد، ارزش ۱ می‌گیرد و برای آنهایی که خوداشتغال نیستند، این ارزش برای صفر می‌باشد. همچنین می‌توان احتمال پایداری در خوداشتغالی (هم در زمان t و هم در زمان $t+2$) را به صورت زیر تخمین زد:

$$\Pr(S_{i,t+2}=1 | S_{i,t} = 1) = \Pr(\beta_1 Z_{i,t} + \beta_2 W_{i,t+1} + V_i > 0) \quad (21)$$

β_1 و β_2 : ضرایب مدل می‌باشند که باید تخمین زده شوند.

$Z_{i,t}$ و $W_{i,t+1}$: به ترتیب سلیق و پرداخت با آورده است.

کارین. وی لمبارد (۲۰۰۱)^۱ به بررسی علل افزایش خوداشتغالی زنان در ایالات متحده پرداخت. وی با استفاده از مدلی که در زیر آورده شده است، نتیجه گرفت که عواملی مانند انعطاف‌پذیری، ساعات کار غیر استاندارد و سطح درآمد در انتخاب خوداشتغالی توسط زنان نسبت به مشاغل دستمزد و حقوق‌بگیر مؤثر بوده است.

1- Lombard, K.V., 2001; "Female self - Employment and Demand for Flexible, Nonstandard Work Schedules, *Economic Inquiry*; pp. 214-237.

لنتز و لاباند (۱۸۸۰ و ۱۹۸۳)^۱ نشان دادند احتمال اینکه یک شخص، خوداشتغالی را انتخاب کند، در صورت خوداشتغال بودن والدین افزایش پیدا می‌کند. ریردان^۲ (۱۹۹۷) برای مقایسه خوداشتغالی تمام‌وقت غیر کشاورزی، از اطلاعات سرشماری ده ساله (از سال ۱۹۹۰ برای ایالات متحده و از سال ۱۹۹۱ برای کانادا) استفاده کرد. او دریافت در هر دو کشور اشخاصی که خوداشتغال شده‌اند (مسن‌ها و بیشتر از جنس مردان)، تحصیل کرده‌های عالی و کسانی هستند که از دیگران بیشتر کار می‌کنند.

بلانچ فلاور^۳ نشان داد احتمال خوداشتغالی در میان مردان بیشتر از زنان بوده و با افزایش سن افزایش می‌یابد. کم‌سوادترین افراد بیشترین احتمال خوداشتغالی را دارند؛ با این حال، شواهدی یافت شده است که با سوادترین افراد نیز نسبتاً احتمال بالایی از خوداشتغالی دارند.

در این مقاله سعی کرده‌ایم از متغیرهای جنسیت، سن، تحصیلات، وضعیت ازدواج، بعد خانوار و درآمد در تحلیل خوداشتغالی ایران استفاده کنیم که در مقالات فوق، به بخشی از این عوامل پرداخته شده است؛ از این جهت اولاً: این مقاله یک کار جدید است که عوامل فوق را یکجا و در یک الگو بررسی می‌نماید؛ ثانیاً، اولین تحقیق در مورد ویژگی‌های خوداشتغالی ایران است که از داده‌های خرد خانوار استفاده نموده است و ثالثاً، امکان مقایسه نحوه تأثیر متغیرهای فوق در ایران را با کشورهای غربی میسر می‌سازد.

۵- الگوی انتخاب خوداشتغالی ایران

براساس مطالعات انجام شده که در بخش الگوی نظری آورده شد، فرض کنیم که افراد براساس حداکثر کردن مطلوبیت مورد انتظار، اشتغال حقوق دستمزدبگیری و

1- Lentz, B.F. and D.N. Laband; "Entrepreneurial Success and Occupational Inheritance Among Proprietors", *Canadian Journal of Economics*; p. 563.

2- Reardon, Elaine; *Self - Employment in Canada and the United States*.

3- Blanch Flower, D.G., 1998; *Self - Employment in OECD Countries. in Preparation*; p. 27.

خوداشتغالی را انتخاب می‌کنند.

$$I^{*} = X\beta + e \quad (21)$$

I^{*} : بیانگر تفاوت در مطلوبیت انتظاری از خوداشتغالی و اشتغال حقوق و دستمزدبگیری می‌باشد که یک تابع تصادفی از مشخصات قابل مشاهده اشخاص (X) می‌باشد.

e : دارای توزیع نرمال با میانگین صفر می‌باشد. متغیرهای مربوط به X بر سلیقه افراد برای خوداشتغالی در مقابل اشتغال دستمزدی اثر می‌گذارد. وقتی β مثبت (منفی) باشد، با افزایش X خوداشتغالی افزایش (کاهش) می‌یابد. وقتی $I^{*} > 0$ باشد، بیانگر انتخاب خوداشتغالی توسط افراد است و برعکس، وقتی که $I^{*} < 0$ باشد، مشاغل حقوق و دستمزدی انتخاب می‌شود. با استفاده از مدل‌های "لاجیت و پروبیت" می‌توان خوداشتغالی را در مقابل مشاغل حقوق و دستمزدی تخمین زد و عوامل مؤثر بر خوداشتغالی و نحوه تأثیر آنها را مشخص نمود.

همانند بسیاری از تحقیق‌های قبلی، از داده‌های مقطعی استفاده می‌کنیم و برای ارایه الگوی انتخاب خوداشتغالی ایران، سه شرط ساده زیر را در نظر می‌گیریم.

الف - تصمیم خانوارها در ابتدای هر سال، خواه خوداشتغال باشند یا نباشند بدون توجه به وضعیت گذشته‌شان می‌باشد.

ب - این تصمیم مبتنی بر مقایسه بین مطلوبیت انتظاری حاصل از خوداشتغالی و اشتغال دستمزد و حقوق‌بگیری می‌باشد.

ج - تفاوت مطلوبیت انتظاری بستگی به خصوصیات فردی خانوار دارد.

در زیر ملاحظات تحلیلی انتخاب شغل در ۱۳۷۶ را مطرح می‌کنیم.

گام اول خانوارها در ابتدا بستگی به تفاوت بین مطلوبیت‌های انتظاری از خوداشتغالی و اشتغال دستمزدی دارد. ما فرض می‌کنیم که آنهایی که پیش از این خوداشتغال بوده‌اند، تصمیم جدیدشان در ابتدای سال می‌تواند ادامه به خوداشتغالی و یا پایان خوداشتغالی باشد. البته ضرورتی به اینکه افراد خانوار، تازه تصمیم گرفته باشند یا خوداشتغالی پیشین را ادامه دهند، نیست.

ما الگوی انتخاب خوداشتغالی را با استفاده از یک متغیر موهومی Z فرمول‌بندی می‌کنیم؛ به طوری که اگر $Z = 1$ باشد، سرپرست خانوار خوداشتغال شده است و اگر $Z = 0$

باشد، اشتغال دستمزدی (یا هر وضعیت دیگر) را انتخاب کرده است.

احتمال انتخاب خوداشتغالی ($\text{Prob}\{Z=1\}$)، براساس مفروضات الف تا ج معین می‌شود. اگر یک سرپرست خانوار، خوداشتغالی را انتخاب کند، درآمد حاصل از فعالیت وی به شکل رابطه زیر می‌باشد:

$$Y_1 = f(x)\varepsilon \quad (22)$$

در رابطه فوق، f بیانگر منفعت خالص خانوار است که تابعی از مشخصات خانوار خوداشتغال می‌باشد. همچنین ε جزء تصادفی مستقل تحت شرایط توزیع نرمال است. از طرف دیگر اگر در دوره فوق خانوار تصمیم به اشتغال دستمزدی بگیرد، درآمدش بستگی به دستمزدش دارد و خود دستمزد نیز بستگی به خصوصیات فردی سرپرست خانوار دارد که می‌توان به صورت رابطه زیر بیان کرد:

$$Y_2 = W = g(x) \quad (23)$$

سرپرست خانوار تنها زمانی خوداشتغالی را انتخاب می‌کند که:

$$U(Y_2) < U(E\{Y_1\}) \quad (24)$$

U ، بیانگر تابع مطلوبیت سرپرست خانوار است.

رابطه (۲۴) را به شکل زیر بازنویسی می‌کنیم:

$$\text{Prob}\{Z=1\} = \text{Prob}\{U(Y_2) < U(E\{Y_1\})\} = \phi(\beta X) \quad (25)$$

$\phi(\beta X)$: تابع توزیع تجمعی نرمال استاندارد است.

تفاوت در مطلوبیت بین وضعیت اشتغال دستمزدی و حقوق بگیری با خوداشتغالی بستگی به منافع نسبی دارد.

براساس فرضیه مقاله، فرض بر آن است که منافع، متأثر از خصوصیات فردی سرپرست خانوار (X) می‌باشد که به وسیله متغیرهایی مثل سن، جنسیت، شهری - روستایی، درآمدها، بعد خانوار، وضعیت ازدواج و تحصیلات نشان داده شده است و احتمال انتخاب خوداشتغالی نسبت به اشتغال دستمزدی تأثیر می‌گذارد.

β بردار ضرایب است که باید تخمین زده شود و بیانگر اثرات متغیرها می‌باشد.

۵-۱- تخمین الگوی خوداشتغالی ایران

اگر $Z = \text{Self-employment} = 1$ فرد خوداشتغال و اگر $Z = \text{Self-employment} = 0$ فرد دستمزد و حقوق بگیر است؛ براساس الگوی خوداشتغالی که در بخش قبل به دست آوردیم، فرض کرده‌ایم که self-employment به طور خطی و به صورت زیر به متغیرهای مربوطه مرتبط است:

$$\begin{aligned} \text{Self-employment} = & \text{LOGIT}(\beta_0.C + \beta_1.U_R + \beta_2.Income + \beta_3.Age_3 + \beta_4.Age_5 \\ & + \beta_5.Age_6 + \beta_6.Age_7 + \beta_7.Age_8 + \beta_8.Age_9 + \beta_9.Age_{10} + \beta_{10}.Age_{11} + \beta_{11}.Age_{12} \\ & + \beta_{12}.Child_1 + \beta_{13}.Child_2 + \beta_{14}.Child_3 + \beta_{15}.Education_1 + \beta_{16}.Education_2 \\ & + \beta_{17}.Education_3 + \beta_{18}.Married-status_1 + \beta_{19}.Married-status_2 \\ & + \beta_{20}.Married-status_3 + \beta_{21}.Gender + U_i \end{aligned} \quad (6-5)$$

اگر $U_R = 0$ سرپرست خانوار روستایی و اگر $U_R = 1$ ، سرپرست خانوار شهری است.

INCOME: سطح درآمد سرپرست خانوار؛

$Age_3 = 1$: بیانگر گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله؛ در غیر این صورت صفر؛

$Age_5 = 1$: بیانگر گروه سنی ۳۴-۳۰ ساله؛ در غیر این صورت صفر؛

$Age_6 = 1$: بیانگر گروه سنی ۳۹-۳۵ ساله؛ در غیر این صورت صفر؛

$Age_7 = 1$: بیانگر گروه سنی ۴۴-۴۰ ساله؛ در غیر این صورت صفر؛

$Age_8 = 1$: بیانگر گروه سنی ۴۹-۴۵ ساله؛ در غیر این صورت صفر؛

$Age_9 = 1$: بیانگر گروه سنی ۵۴-۵۰ ساله؛ در غیر این صورت صفر؛

$Age_{10} = 1$: بیانگر گروه سنی ۵۹-۵۵ ساله؛ در غیر این صورت صفر؛

$Age_{11} = 1$: بیانگر گروه سنی ۶۴-۶۰ ساله؛ در غیر این صورت صفر؛

$Age_{12} = 1$: بیانگر گروه سنی ۶۵ و بیشتر؛ در غیر این صورت صفر؛

$TWOCHILD = 1$: بیانگر تعداد اعضای خانوار ۱ و ۲ نفر؛ در غیر این صورت صفر؛

$THREECHILD = 1$: بیانگر تعداد اعضای خانوار ۳ نفر؛ در غیر این صورت صفر؛

$FOURCHILD = 1$: بیانگر تعداد اعضای خانوار ۴ نفر؛ در غیر این صورت صفر؛

$FIVECHILD = 1$: بیانگر تعداد اعضای خانوار ۵ نفر؛ در غیر این صورت صفر؛

$SIXCHILD = 1$: بیانگر تعداد اعضای خانوار ۶ نفر؛ در غیر این صورت صفر؛

$SEVEN-CHILD = 1$: بیانگر تعداد اعضای خانوار ۷ نفر و بیشتر؛ در غیر این صورت صفر؛

اگر $Education = 1$ ، بیانگر تحصیلات ابتدایی سرپرست خانوار است و در غیر این صورت صفر؛

اگر $Education = 2$ ، بیانگر تحصیلات متوسطه سرپرست خانوار است و در غیر این صورت صفر است؛

اگر $Education = 3$ ، بیانگر تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم و بالاتر سرپرست خانوار است و در غیر این صورت صفر است؛

اگر $Married - Status = 1$ ، بیانگر اینست که سرپرست خانوار ازدواج کرده است و در غیر این صورت صفر است؛

اگر $Married - Status = 2$ ، بیانگر اینست که سرپرست خانوار بی همسر بر اثر طلاق بی همسر می باشد، در غیر این صورت صفر است؛

اگر $Married - Status = 3$ ، بیانگر اینست که سرپرست خانوار هرگز ازدواج نکرده است؛

$Gender = 1$ ، بیانگر مرد بودن سرپرست خانوار و $Gender = 0$ بیانگر زن بودن سرپرست خانوار می باشد.

مدل فوق با استفاده از آمارهای نمونه گیری درآمد - هزینه خانوار سال ۱۳۷۶ و به وسیله نرم افزار $EViews^3$ تخمین زده شده و نتایج آن در جدول (۱) آورده شده است.

جدول ۱- برآورد تابع لاجیت برای تعیین عوامل مؤثر بر خوداشتغالی

نقاط شهری و روستایی

متغیر	برآورد	کشش	آماره Z
C مقدار ثابت	-۱/۶۸	-	-۱۸/۳۷
INCOME درآمد	۴/۴۴	۸/۱۴	۱۵/۱۶
U_R شهری و روستایی	-۱/۴۴	۰/۶۴	-۴۱/۹۱
AGE۳ گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله	-۰/۲۴	۰/۰۰۲	*-۲/۶۸
AGE۵ گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله	۰/۱۵	۰/۰۰۱	**۲/۳۵
AGE۶ گروه سنی ۳۵-۳۹ ساله	۰/۳۱	۰/۰۰۵	۴/۶۱
AGE۷ گروه سنی ۴۰-۴۴ ساله	۰/۳۶	۰/۰۰۵	۵/۱۷
AGE۸ گروه سنی ۴۵-۴۹ ساله	۰/۴۵	۰/۰۰۶	۶/۰۸
AGE۹ گروه سنی ۵۰-۵۴ ساله	۰/۷۹	۰/۰۱۶	۱۰/۰۸
AGE۱۰ گروه سنی ۵۵-۵۹ ساله	۰/۷۴	۰/۰۱۳	۹/۳۲
AGE۱۱ گروه سنی ۶۰-۶۴ ساله	۰/۸۶	۰/۰۲۴	۱۱/۲۶
AGE۱۲ گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر	۰/۵۴	۰/۰۱۶	۷/۸۵
TWOCHILD دارای یک و دو فرزند	۱/۷۱	۰/۱۴	*۱/۷۹
THREECHILD دارای سه فرزند	۰/۲۹	۰/۰۴۶	۴/۷۴
FOURCHILD دارای چهار فرزند	۰/۳۱	۰/۰۴۳	۵/۰۸
FIVECHILD دارای پنج فرزند	۰/۳۰	۰/۰۰۸	۴/۸۴
SIXCHILD دارای شش فرزند	۰/۴۸	۰/۰۰۶	۷/۲۲
SEVEN-CHILD دارای هفت و... فرزند	۰/۶۵	۰/۰۳۵	۱۰/۳۸
EDUCATION ۱ تحصیلات ابتدایی	۰/۱۷	۰/۰۰۱	۴/۳۲
EDUCATION ۲ تحصیلات راهنمایی	-۰/۰۵	۰/۰۰۳	** -۱/۲۵
EDUCATION ۳ تحصیلات دیپلم و کاردانی و...	-۰/۸۷	۰/۰۰۱	-۸/۱۲
MARRIED-STATUS۱ متأهل	۰/۵۵	۰/۰۹	۵/۶۵
MARRIED-STATUS۳ طلاق گرفته	۰/۲۵	۰/۰۰۲	** ۰/۹۹
MARRIED-STATUS۲ هرگز ازدواج نکرده	۰/۴۲	۰/۰۰۳	* ۲/۶۵
GENDER زن=۰ مرد=۱	۱/۱۶	۰/۵۰۵	۱۱/۹۶
Log likelihood	-۱۳۱۰۷/۷۵		
McFadden R-squared	۰/۱۵		
Total obs کل مشاهدات	۲۱۹۵۰		

۱. ضرایب با علامت * معنی دار نیستند. ۲. ضرایب با علامت * معنی دار در سطح ۱۰٪. ۳. ضرایب بدون علامت معنی دار در سطح ۵٪.

جدول ۲- برآورد تابع پروبیت برای تعیین عوامل مؤثر بر خوداشتغالی

نقاط شهری و روستایی

متغیر	برآورد	کشش	آماره Z
C	مقدار ثابت	-۱/۰۵	-۱۹/۲۱
INCOME	درآمد	۲/۶۱	۱۵/۲۴
U_R	شهری و روستایی	-۰/۸۴	-۴۳/۴۲
AGE۳	گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله	-۰/۱۵	-۲/۷۷**
AGE۵	گروه سنی ۳۴-۳۰ ساله	۰/۱	۲/۴۳
AGE۶	گروه سنی ۳۹-۳۵ ساله	۰/۱۹	۴/۷۶
AGE۷	گروه سنی ۴۴-۴۰ ساله	۰/۲۳	۵/۳۳
AGE۸	گروه سنی ۴۹-۴۵ ساله	۰/۲۹	۶/۲۵
AGE۹	گروه سنی ۵۴-۵۰ ساله	۰/۴۹	۱۰/۳۷
AGE۱۰	گروه سنی ۵۹-۵۵ ساله	۰/۴۶	۹/۶
AGE۱۱	گروه سنی ۶۴-۶۰ ساله	۰/۵۴	۱۱/۶
AGE۱۲	گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر	۰/۳۴	۸/۰۸
TWOCHILD	دارای یک و دو فرزند	۱/۰۷	۱/۹**
THREECHILD	دارای سه فرزند	۰/۱۸	۴/۸۸
FOURCHILD	دارای چهار فرزند	۰/۱۹	۵/۲۳
FIVECHILD	دارای پنج فرزند	۰/۱۹	۴/۹۸
SIXCHILD	دارای شش فرزند	۰/۳	۷/۴۲
SEVEN-CHILD	دارای هفت و ... فرزند	۰/۴۱	۱۰/۷
EDUCATION ۱	تحصیلات ابتدایی	۰/۱۱	۴/۴۴
EDUCATION ۲	تحصیلات راهنمایی	-۰/۰۳	-۱/۲۸**
EDUCATION ۳	تحصیلات دیپلم و کاردانی و ...	۰/۵۴	-۸/۵۹
MARRIED-STATUS ۱	متاهل	۰/۳۴	۵/۸۰
MARRIED-STATUS ۳	طلاق گرفته	۰/۱۵	۱/۰۴**
MARRIED-STATUS ۲	هرگز ازدواج نکرده	۰/۲۶	۲/۷۴**
GENDER	زن=۰ مرد=۱	۰/۷۲	۱۲/۳۲
Log likelihood		-۱۳۱۱۰/۱۲	
McFadden R-squared		۰/۱۴	
Total obs	کل مشاهدات	۲۱۹۵۰	

۱. ضرایب با علامت ** معنی دار نیستند. ۲. ضرایب با علامت * معنی دار در سطح ۱۰٪؛ ۳. ضرایب بدون علامت معنی دار در سطح ۵٪

جدول ۳- برآورد تابع خطی برای تعیین عوامل مؤثر بر خوداشتغالی

نقاط شهری و روستایی

متغیر	برآورد	آماره t	Prob	
C	مقدار ثابت	۰/۱۴	۷/۵۸	۰/۰۰۰۰
INCOME	درآمد	۵/۳۳	۱۵/۱۸	۰/۰۰۰۰
U_R	شهری و روستایی	-۰/۲۷	-۴۳/۷۱	۰/۰۰۰۰
AGE۳	گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله	-۰/۰۵	-۲/۷۴	۰/۰۰۶۲*
AGE۵	گروه سنی ۳۴-۳۰ ساله	۰/۰۳	۲/۳۷	۰/۰۱۸۰
AGE۶	گروه سنی ۳۹-۳۵ ساله	۰/۰۷	۴/۶۶	۰/۰۰۰۰
AGE۷	گروه سنی ۴۴-۴۰ ساله	۰/۰۸	۵/۲۵	۰/۰۰۰۰
AGE۸	گروه سنی ۴۹-۴۵ ساله	۰/۱	۶/۱۸	۰/۰۰۰۰
AGE۹	گروه سنی ۵۴-۵۰ ساله	۰/۱۷	۱۰/۳۳	۰/۰۰۰۰
AGE۱۰	گروه سنی ۵۹-۵۵ ساله	۰/۱۶	۹/۵۶	۰/۰۰۰۰
AGE۱۱	گروه سنی ۶۴-۶۰ ساله	۰/۱۸	۱۱/۵۹	۰/۰۰۰۰
AGE۱۲	گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر	۰/۱۱	۷/۹۷	۰/۰۰۰۰
TWOCHILD	دارای یک و دو فرزند	۰/۳۶	۲/۳۷	۰/۰۱۷۷*
THREECHILD	دارای سه فرزند	۰/۰۶	۴/۹۴	۰/۰۰۰۰
FOURCHILD	دارای چهار فرزند	۰/۰۷	۵/۲۸	۰/۰۰۰۰
FIVECHILD	دارای پنج فرزند	۰/۰۷	۵/۰۲	۰/۰۰۰۰
SIXCHILD	دارای شش فرزند	۰/۱۰	۷/۴۴	۰/۰۰۰۰
SEVEN-CHILD	دارای هفت و ... فرزند	۰/۱۴	۱۰/۷۴	۰/۰۰۰۰
EDUCATION ۱	تحصیلات ابتدایی	۰/۰۴	۴/۴۵	۰/۰۰۰۰
EDUCATION ۲	تحصیلات راهنمایی	-۰/۰۱	-۱/۲۶	۰/۰۲۰۹**
EDUCATION ۳	تحصیلات دیپلم و کاردانی و ...	-۰/۱۹	-۸/۹۴	۰/۰۰۰۰
MARRIED-STATUS۱	متاهل	۰/۱۲	۶	۰/۰۰۰۰
MARRIED-STATUS۳	طلاق گرفته	۰/۰۵	۱/۱۳	۰/۰۲۵۷۶**
MARRIED-STATUS۲	هرگز ازدواج نکرده	۰/۰۹	۲/۸۶	۰/۰۴۳۰**
GENDER	زن=۰ مرد=۱	۰/۲۵	۱۳/۰۸	۰/۰۰۰۰
Log likelihood		-۱۳۸۸۷/۱۶		
McFadden R-squared		۰/۱۷		
Total obs	کل مشاهدات	۲۱۹۵۰		

۱. ضرایب با علامت ** معنی دار نیستند. ۲. ضرایب با علامت * معنی دار در سطح ۱۰٪. ۳. ضرایب بدون علامت معنی دار در سطح ۵٪.

نتایج فوق از نظر آماری معنی دار و علائم آن مورد انتظار می باشد. همچنان که نتایج جدول (۱) نشان می دهد، احتمال خوداشتغالی در بین روستائیان بیشتر از شهرنشینان می باشد و با افزایش درآمد و سن، احتمال خوداشتغالی افزایش می یابد. هر قدر اندازه خانوار افزایش یابد، احتمال خوداشتغالی افزایش می یابد؛ ولی احتمال خوداشتغالی در میان سرپرست خانوارهایی که تعداد اعضای خانوار آنها کمتر است، بیشتر از سرپرست خانوارهایی است که تعداد اعضای خانوار آنها بیشتر است. افرادی که از سطح تحصیلات پایین تری برخوردارند احتمال خوداشتغالی بالایی دارند و برعکس، افرادی که از سطح تحصیلات بالایی برخوردار می باشند، احتمال خوداشتغالی کمتری دارند؛ همچنین افراد دارای همسر و افرادی که هرگز ازدواج نکرده اند، از احتمال خوداشتغالی بیشتری برخوردارند. براساس نتایج جدول (۱) ضریب متغیر وضعیت ازدواج (بی همسر بر اثر طلاق) معنی دار نشده است.

مقایسه نتایج خوداشتغالی در ایران با کشورهای پیشرفته (OECD)، نشان می دهد که در ایران احتمال خوداشتغالی بیسودان بیشتر از افراد تحصیل کرده می باشد؛ به عبارت بهتر نشان داده شد که با افزایش سطح تحصیلات، احتمال خوداشتغالی کاهش، اما در کشورهای پیشرفته، با افزایش سطح تحصیلات، احتمال خوداشتغالی افزایش می یابد. در ایران، احتمال خوداشتغالی، در میان روستائیان بیشتر از مناطق شهری می باشد؛ در حالی که در کشورهای پیشرفته، احتمال خوداشتغالی در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است؛ ولی در مورد سایر متغیرها نتایج مشابه می باشند؛ یعنی احتمال خوداشتغالی در میان مردان بیشتر از زنان، در میان افراد متأهل بیشتر از سایرین و در میان مسن ترها بیشتر از جوانان بوده، با افزایش درآمد، این احتمال افزایش می یابد. در جداول (۲) و (۳) مدل های "پروبیّت" و احتمال خطی نیز برای کل کشور تخمین زده شده است که نتایج یکسانی می دهد.

۶- نتایج و پیشنهادات

خوداشتغالی در ایران کمتر مورد توجه مؤسسات تحقیقاتی و پژوهشی بوده است. با توجه به اینکه درصد بالایی از نیروی کار ایران در این بخش فعالیت دارند، لازم است توجه بیشتری به این بخش شود. در این مقاله سعی شده است که ویژگی های

خوداشتغالان در مقایسه با مشاغل حقوق و دستمزدی مطالعه شود و نتایج زیر حاصل شده است:

۱-۶- نتایج

- ۱- احتمال خوداشتغالی در بین روستاییان بیشتر از شهرنشینان می باشد.
- ۲- احتمال خوداشتغالی در بین مردان بیشتر از زنان می باشد.
- ۳- کم سوادترین افراد، بیشترین احتمال خوداشتغالی را دارند.
- ۴- با افزایش سطح تحصیلات، احتمال خوداشتغالی کاهش می یابد.
- ۵- با افزایش تعداد اعضای خانوار احتمال خوداشتغالی افزایش می یابد.
- ۶- احتمال خوداشتغالی در میان سرپرست خانوارهایی که تعداد اعضای خانوار آنها کمتر است، بیشتر از سرپرست خانوارهایی است که تعداد اعضای آنها بیشتر است.
- ۷- سطح درآمد با خوداشتغالی رابطه مثبت دارد، یعنی با افزایش سطح درآمد احتمال خوداشتغالی افزایش می یابد.
- ۸- با افزایش سن، احتمال خوداشتغالی افزایش می یابد؛ به عبارت دیگر احتمال خوداشتغالی در افراد مسن بیشتر از گروه های سنی جوانتر می باشد.
- ۹- افراد ازدواج کرده از احتمال خوداشتغالی بیشتری برخوردارند.
- ۱۰- افرادی که هرگز ازدواج نکرده اند، از احتمال خوداشتغالی بالاتری برخوردارند.

۲-۶- پیشنهادت

- ۱- با توجه به اینکه خوداشتغالی، بیشتر در نقاط روستایی و در فعالیتهای کشاورزی می باشد، بهتر است دولت سیاست های مناسبی را در رابطه با ارائه تسهیلات به این فعالیتهای اتخاذ نماید.
- ۲- از آنجایی که احتمال خوداشتغالی زنان کمتر از مردان است، لذا دولت سیاست های مناسبی را جهت کاهش تبعیض فاحش بین زنان و مردان اتخاذ نماید تا این بخش عظیم نیروی کار نیز فرصت حضور در فعالیتهای اقتصادی پیدا کند و در افزایش تولید ملی سهیم باشد.
- ۳- براساس نتایج این تحقیق، افرادی که در مرز بازنشستگی هستند، از احتمال

خوداشتغالی بیشتری نسبت به افرادی که در سنین پایین‌تر هستند، برخوردار می‌باشند که در واقع بیانگر این واقعیت است که افراد مسن‌تر به دلیل تجربیات کاری و دارایی بیشتر احتمال خوداشتغالی بالاتری دارند. در حالی که کشور ما کشور جوانی است و بخش اعظم نیروی کار در فاصله سنی ده تا چهل سال قرار دارد، لازم است که دولت با اتخاذ سیاست‌های مناسبی همچون پرداخت وام‌های خوداشتغالی بالا و افزایش تواناییها و مهارت‌های نیروی کار از طریق گسترش مراکز فنی و حرفه‌ای، زمینه حضور خیل عظیم نیروی کار جوان را در اشتغال فراهم نماید.



فهرست منابع

- ۱- مرکز آمار ایران: آمارگیری نمونه‌ای از درآمد - هزینه خانوار شهری و روستایی؛ ۱۳۷۶.
- 2- Blanch Flower, D.G. (1998); **Self-Employment in OECD Countries**; in Preparation, September.
- 3- Burke, A.E., F.R. Fitzroy and M.A. Nolan (1997); "Entrepreneurial Choice and Performance: A Re-appraisal of Liquidity and Human Capital Constraints", **Finance and the Firm Discussion Paper**; Center for Research into Industry Enterprise, No, 9723, University of St. Andrews.
- 4- Lentz B.F. and D.N. Laband, "Entrepreneurial Success and Occupational Inheritance Among Proprietors", **Canadian Journal of Economics**; 23, 1990.
- 5- Lombard, K.V. (2001); "Female Self-Employment and Demand for Flexible, Nonstandard Work Schedules", **Economic Inquiry**; 39(2).
- 6- Reardon, Elaine; **Self-Employment in Canada and the United States**; Unpublished Paper, June, 1997.
- 7- Scase, R. and R. Goffe (1987); **The Real World of the Small Business Owner**; London: Croom Helm, 2nd Edition.
- 8- Scase, R. and R. Goffe (1982); **The Entrepreneurial Middle Class**; London: Croom Helm.
- 9- Taylor, M.P. (1996); "Earnings, Independence or Unemployment: Why Become Self-Employed?", **Oxford Bulletin of Economics and Statistics**; Vol. 58, No.2.